



## بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اقشار مختلف مردم - 22 / اسفند / 1386

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً خوشامد عرض میکنیم به همه ی برادران و خواهران عزیز که از نقاط مختلف کشور از راههای دور و نزدیک به اینجا تشریف آوردید و این محفل صمیمی و باصفا را در این حسینیه تشکیل دادید.

حلول ماه مبارك ربیع الاول را که ماه ولادت نبی مکرم اسلام حضرت محمد بن عبدالله و یکی از مقاطع تاریخی بزرگ برای کل بشریت است، تبریک عرض میکنیم. در روز اول ربیع الاول هجرت پیغمبر واقع شده است؛ از مکه به مدینه که مبدأ تاریخ هجری مسلمانان است. این ماه هم ربیع المولود است، هم ربیع الهجره است.

این خاطره های تاریخی برای امت اسلام بسیار بزرگ و ارزشمند است. امروز هم در دنیای به اصطلاح مدرن، با ترتیباتی که در میان ملتها وجود دارد و سابقه نداشته است، همچنان امت اسلامی و مردم مسلمان در سراسر جهان از این خاطره ها الهام میگیرند؛ درس میگیرند. در هر نقطه ی از دنیا که مسلمانی زندگی میکند که گوینده ی «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» است، با یاد ولادت آن بنده ی برگزیده و سرآمد انسانها، در این ماه در خود احساس شعف میکند. عشق به نبی مکرم اسلام در دل یکایک مسلمانهاست؛ لذاست که شما می بینید امروز که جبهه ی استکبار جهانی درصدد تضعیف اسلام است، وجود مبارك پیامبر را هدف قرار میدهد. صهیونیستها و دولتهائی که زیر نفوذ صهیونیسم هستند، دستگاه استکبار و در رأس آنها آمریکای جنایتکار، وقتی میخواهند با امت اسلامی دریفتند و با اسلام معارضا کنند، آماج حمله ی خودشان را نبی معظم و مکرم اسلام قرار میدهند. این به چه معناست؟ این به خاطر این است که یاد آن بزرگوار، نام آن بزرگوار، ولادت آن بزرگوار، هجرت آن بزرگوار، حکومت ده ساله ی آن بزرگوار در مدینه و یکایک اقدام و تعلیم و آموزش آن بزرگوار، امروز برای مسلمانها، اگر تدبر بکنند و تأمل بکنند، يك درس است؛ گشایش يك در بازی به سوی زندگی است. پیغمبر الهام بخش است برای امت اسلامی. چون این را میدانند؛ چون از بیداری امت اسلامی میترسند؛ چون از قدرت جامعه ی يك میلیارد و پانصد میلیونی مسلمان در سرتاسر عالم وحشت دارند، در مقابل پیغمبر صف آرائی میکنند. رحمة للعالمین را، منشأ عظیم ترین خیرات و برکات برای بشریت را در مطبوعاتشان، در زبان سیاستمدارانشان، در کتاب نوشتنهایشان، به وسیله ی مزدورانشان مورد اهانت قرار میدهند. این باید ما مسلمانها را بیدار کند؛ بفهمیم که در وجود پیامبر، در شخصیت پیامبر، در خاطرات زندگی پیامبر، در هجرت پیغمبر، در جهاد پیغمبر، در سیره ی پیغمبر، در درسهای قولی و عملی پیغمبر، چه گنجینه ی عظیمی برای مسلمانها نهفته است. ما از این گنجینه اگر استفاده کنیم، امت اسلامی به آنچهان موقعیتی خواهد رسید که نتوانند دیگر به او زور بگویند؛ نتوانند او را زیر فشار قرار بدهند؛ نتوانند او را تهدید کنند؛ این درس است برای ما.



امروز جبهه‌ی استکبار علناً، صریحاً در مقابل اسلام ایستاده است. درست است که جمهوری اسلامی را آماج حملات خودشان از لحاظ سیاسی و تبلیغاتی قرار می‌دهند، لکن دشمنی آنها با جمهوری اسلامی هم به خاطر همین است که جمهوری اسلامی پرچم اسلام را بلند کرده است؛ اسلام را در دل‌های آحاد امت اسلامی زنده کرده است؛ به اسلام رونق بخشیده است؛ عزت بخشیده است و خود به خاطر اسلام عزت پیدا کرده است. برای این است که با جمهوری اسلامی مخالفت میکنند، معارضة میکنند، دشمنی میکنند. با اسلام در حقیقت اینها مخالفند - یعنی با یکایک این امت عظیم اسلامی و ملت‌های اسلامی - این را باید آحاد امت اسلامی و ملت‌های مسلمان بدرستی، از بن دندان درک کنند و بفهمند.

اسم حقوق بشر را می‌آورند، اسم دموکراسی را می‌آورند، اسم انرژی هسته‌ای را در یک برهه‌ای می‌آورند؛ اینها را بهانه‌ی دشمنی قرار می‌دهند، لکن واقع قضیه چیز دیگری است؛ واقع قضیه این است که اینها میدانند اسلام میتواند امت اسلامی را به یک قدرت عظیم تبدیل کند. با این مخالفند. میدانند که نام پیغمبر، یاد پیغمبر، زندگی پیغمبر، سیره‌ی پیغمبر و تعالیم پیغمبر میتواند امت اسلامی را از رخوت خارج کند، به او نشاط بدهد، او را در صحنه‌ی بین‌المللی تبدیل به یک عنصر اثرگذار و متنفذ کند، عزت به او ببخشد؛ این را نمی‌خواهند؛ با این دشمنی میکنند و مخالفند؛ والا کیست که نداند آمریکائیه‌ها اولین دشمن حقوق بشرند. منظورم از آمریکائیه‌ها، مردم آمریکا نیستند؛ سیاستمداران، سردمداران، متنفذین، گردانندگان رژیم آمریکا و رژیم صهیونیستی، که اولین دشمنان بشریتند. ببینید چه میکنند در غزه! ببینید چه میکنند در منطقه‌ی فلسطین! ببینید با ملت‌های مسلمان چگونه رفتار میکنند! ببینید در عراق و افغانستان با آن ملت‌های مظلوم چگونه با سنگدلی و قساوت رفتار میکنند! ببینید شکنجه‌هایشان را! رئیس‌جمهور آمریکا رسماً، علناً قانون ضد شکنجه را رد میکند؛ این خیلی مطلب مهمی است. یعنی شکنجه باید قانونی باشد، باید آمریکائیه‌ها زندانیان خودشان را، بیگناهی‌ها را که در عراق و در افغانستان و در هر نقطه‌ی عالم دستگیر میکنند، بتوانند اینها را آزادانه شکنجه کنند. پرچم طرفداری از شکنجه را در دست گرفته‌اند، آنوقت اسم حقوق بشر می‌آورند!

نتیجه‌ی این رفتارها از سوی سیاستمداران و سردمداران و زمامداران آمریکا این شده است که همین «مرگ بر آمریکا» شما، امروز از دل ملت‌های مسلمان - از ته دل - برمیخیزد. همه‌ی آنها همین را می‌گویند. یک روزی فقط ملت ایران بود که بیدار شده بود و شعار «مرگ بر آمریکا» میداد؛ امروز در سرتاسر جهان - دنیای اسلام، حتی در میان غیرمسلمین - هرجا این رئیس‌جمهور نگون بخت آمریکا سفر میکند، شما ببینید مردم چه تظاهراتی علیه او میکنند؛ پرچمشان را آتش می‌زنند؛ «مرگ بر آمریکا» می‌گویند؛ آدمک او را درست میکنند و آتش می‌زنند. آنوقت اینها طرفدار حقوق بشرند؟!



این وقاحت آنها هم بیشتر مردم دنیا را و ملت‌های زیر ستم را به دشمنی با آنها و نفرت از آنها وادار میکند. اینجور انسان با شکنجه موافق، با اشغال نظامی کشورها موافق، با بمب بر سر ملت‌ها ریختن موافق، تبعیض اینجور در داخل خود آمریکا و در بیرون آمریکا بین آحاد مردم، واضح و علنی و آشکار، آنوقت دم از دموکراسی بزنند! دم از حقوق بشر بزنند! این آن چیزی است که ملت‌ها را به حقیقت و واقعیت این جرثومه‌ی فساد - یعنی استکبار - آشنا میکند؛ آگاه میکند؛ میفهمند این سیاست‌ها چه چیز را دنبال میکند.

امروز شما ملت ایران بدانید در دنیا تنها نیستید. این شعاری که شما میدهید، شعار دل همه‌ی ملت‌های مسلمان است و بسیاری از ملت‌های غیرمسلمان. این به پایمردی شما، با ایستادگی شما، با شجاعت شما ملت ایران اتفاق افتاده است. ملت‌های دنیا حقیقت را فهمیده‌اند؛ پرده‌ی نفاق از روی این مستکبرین برطرف شده است. آنها هم میدانند؛ میدانند که ملت ایران میاندار این حرکت عظیم امت اسلامی است؛ این را میدانند، لذا دشمنی‌ها را متوجه ایران کرده‌اند.

هرچه که برای ایران و ایرانی مایه‌ی عزت و قدرت و رفاه و راحتی است، آنها باهاش دشمنند؛ یکی‌اش همین انتخاباتی است که چند روز دیگر تجربه‌ی عظیم مردم ماست که بروند به پای صندوق‌های رأی. با انتخابات شما اینها دشمنند؛ با اصل انتخابات دشمنند؛ با حضور پرشور و گسترده‌ی مردم در انتخابات دشمنند؛ با انتخاب آدم‌های اصلح و طرفدار حقوق مردم و متعبد و پایبند به مبانی اسلامی و ارزش‌های اسلامی مخالفند، دشمنند؛ چرا؟ چون میدانند اینها هم انتخابات، هم حضور گسترده‌ی مردم، هم حضور آدم‌های مناسب و شایسته در مجلس، به ضرر آنهاست؛ لذا مخالفت میکنند. هر جور مخالفتی که میتوانند میکنند؛ تبلیغات میکنند، رادیو به راه می‌اندازند، در رادیوهای گوناگونشان به خیال خودشان مردم را از انتخابات دلسرد میکنند - دارند به خیال خودشان کار میکنند - نتیجه هم ان شاء الله کاملاً بعکس است.

همین هفته‌ی گذشته آمریکا گفت: ما میخواهیم علیه ایران از شورای امنیت قطعنامه بگیریم برای اینکه مردم ایران را از صندوق‌های رأی دور کنیم. شما فکرش را بکنید؛ اینها آنوقت مدعی مردم سالاری و دموکراسی‌اند! خوب، حضور مردم در هر نقطه‌ای از دنیا در انتخابات، مردم سالاری است؛ دموکراسی دیگر معنایش غیر از این چیست؟ اما چون میدانند که ملت ایران با حضور پرشور در انتخابات برای خود قدرت می‌آفریند، عزت خلق میکند، میخواهند این نباشد. البته از همین حالا معلوم است، در طول این سی سال گذشته هم معلوم بوده است که هر وقت دشمنان این ملت سعی کردند مردم در انتخاباتی شرکت نکنند و تبلیغات کردند، مردم بعکس پرشورتر در انتخابات شرکت کرده‌اند. این دفعه هم همینجور خواهد شد به توفیق الهی.



مردم میدانند که حضور آنها در انتخابات مایه ی قدرت و ابهت بین المللی آنهاست. آنها این را نمیخواهند. آنها میخواهند مردم در انتخابات شرکت نکنند تا این نشانه ی روگردانی مردم از نظام اسلامی باشد و نظام اسلامی به این وسیله ضعیف بشود و آنها بتوانند به ملت و کشور و دولت و همه فشار وارد کنند.

آنها میدانند که حضور پر شور مردم در انتخابات به مردم قدرت میدهد و آنها دیگر نمیتوانند نقشه هایشان را نسبت به ایران اجرا کنند. میخواهند این نباشد. تمام دستگاههای تبلیغاتی شان را به راه انداخته اند که مردم را از حضور در انتخابات منصرف کنند. عواملشان هم البته هستند متأسفانه؛ غیر از رادیوها و وسائل تبلیغاتی آنها، گاهی در گوشه و کنار در داخل هم هستند، برای اینکه مردم را از انتخابات دلسرد کنند. آنها نسبت به آنچه که در کشور، از خدمات عظیمی که انجام گرفته است، ایجاد تردید میکنند. کی میتواند منکر بشود که چه خدمات بزرگی را دولت و مجلس به این کشور کرده اند. کارهای عظیمی که انجام گرفته است و کارهایی که ان شاءالله به توفیق الهی ثمرات آن و نتایج آن را مردم بمرور خواهند دید. برای اینکه اینها را از چشم مردم دور کنند و مردم را دلسرد کنند، هر چه میتوانند و در چنته دارند، علیه دولت، علیه مجلس، علیه مسئولین بیان میکنند، تا مردم را دلسرد کنند. یا مثلاً شبهه ی در خود انتخابات، که آیا این انتخابات آزاد است، آیا آزاد نیست؟ آیا در این انتخابات دستکاری نمیشود، تقلب نمیشود؟ من میتوانم با اطمینان کامل به شما عرض کنم که انتخابات - چه در این دوره ای که دو سه روز دیگر انجام خواهد گرفت ان شاءالله، چه در دوره های قبل - درست انجام میگردد. به همین دلایل هم هست که ما گفتیم، باز هم تکرار میکنیم: شرکت و حضور در انتخابات برای مردم، هم یک فریضه ی سیاسی است، هم یک فریضه ی دینی است. این مثل این است که یک انسانی بدن خودش را با ویتامین و با غذاهای مقوی تقویت کند؛ وقتی بدن تقویت شد، میکروبها دیگر نمیتوانند در او نفوذ کنند؛ دشمنی هم اگر حمله کرد، میتواند از خودش دفاع کند. این، مهمترین مسئله در باب انتخابات است؛ یعنی حضور مردم.

ملت ایران همچنانی که در این حدود سی سال نشان داده است، هر جایی که آزمونی برای نشان دادن اقتدار ملی بوده است، وارد شده است. اگر راهپیمائی بوده است، تظاهرات بوده است، اگر انتخابات بوده است، اگر حضور در جبهه ها در دوران دفاع مقدس بوده است - هر جایی که مظهری از مظاهر قدرت ملی محسوب میشده است - ملت ایران با هوشیاری، با شجاعت در آن حضور پیدا کرده است. و همین است که در طول این سی سالی که تقریباً از انقلاب میگذرد، کشور شما، ملت شما، دولت شما روز به روز قوی تر شده است؛ روز به روز آرمانهای انقلاب و مبانی انقلاب و ارزشهای انقلاب در او زنده تر شده است.

ارزشهای انقلاب چیست؟ ارزشهای انقلاب در درجه ی اول، استحکام ایمان و دیانت در دلهاست - که منشأ همه ی کارها و مجاهدتها این است - عدالت اجتماعی است، مبارزه ی با فساد است، آزادی مردم در انتخاب است، عدم تحمیل آراء فردی و حزبی و دولتی و غیره بر مردم است، که مردم آزادانه فکر کنند، آزادانه عمل بکنند؛ در چارچوب



مقررات اسلامی. مردم سالاری دینی یعنی این. اینها ارزشهای انقلاب و مبانی انقلاب است. لذا شما که میخواهید بروید پای صندوق رأی و رأی بدهید، هدفتان این باشد که يك مجلسی تشکیل بشود پایبند به همین مبانی انقلاب و ارزشهای انقلاب. نماینده، متدین، امین، معتقد به عدالت اجتماعی - استقرار عدالت در سرتاسر کشور - متنفر از فساد در هر بخشی و در هر طبقه ای از طبقات مسئولین، معتقد به عزت جمهوری اسلامی؛ مجلس باید يك چنین مجلسی باشد. ما هفت دوره مجلس شورای اسلامی را گذرانیدیم. در مجلس شورای اسلامی گاهی اتفاق افتاده است که کسانی آمده اند که با اسم «اسلامی» برای این مجلس مخالفت کرده اند! در دوره ی اول که بحث این بود که اسم مجلس چه باشد - که آمده بود «مجلس شورای اسلامی» - يك عده ای ایستادند که نه، «اسلامی» نباشد! خوب، این نماینده ی ملت ایران نیست. ملت ایران برای اسلام این فداکاریها را کرده است. ملت ایران عظمت خود را، عزت خود را، اقتدار خود را، آسایش و رفاه خود را در اسلام جستجو میکند. يك عده ای پیدا شدند که با اسم «اسلامی» برای مجلس مخالفت کردند! خوب، این مطلوب نیست. یا يك کسانی در يك مجلس دیگری پیدا شدند، تصمیم گرفتند بر طبق خواسته ی مخالفین که میگفتند بساط انرژی هسته ای را جمع کنید، در کشور قانون بگذرانند که دولت را الزام کنند که دنبال انرژی هسته ای نرود! این هم بود در یکی از مجالس ما. این چیزی نیست که ملت ایران آن را بخواهند. اما در همین مجلس هم - همین مجلسی که الان بر سر کار هست - قانون گذرانند و دولت را موظف کردند که بایستی انرژی هسته ای را دنبال کند و موانع سر راه را برطرف کند. همه جور داشتیم.

باید ما هوشیار باشیم؛ آحاد ملت باید هوشیار باشند. نماینده ی متدین، امین، طرفدار عدالت، مخالف با فساد، طرفدار حقوق محرومین، پایبند به مبانی اسلام و ارزشهای اسلامی و خط امام؛ يك چنین نماینده ای را بفرستند مجلس؛ آنوقت مجلس مقتدر خواهد شد، عزتمند خواهد شد. تشخیص این برای همه البته آسان نیست، ولی باید تحقیق کرد، باید به آدمهای مطلع، آدمهای خبره، آدمهای مطمئن مراجعه کرد.

و من عرض بکنم رأی دادن در مجلس به نماینده ها و به این کسانی که مطرح هستند برای رفتن به مجلس، پیش خدای متعال دارای ثواب است؛ ولو انسان در تشخیص اشتباه هم کرده باشد. البته اگر تشخیص درست داده باشد، این ثواب مضاعف میشود. خود رأی دادن، خود رفتن پای صندوق، خود شرکت در این آزمون بزرگ، پیش خدای متعال دارای ثواب است. خدای متعال شاهد و ناظر عمل ماست. «و قل اعملوا فسیری اللّٰه و رسوله و المؤمنون»؛ عمل کنید، اقدام کنید، خدا اقدام شما را می بیند، پیامبر اعظم اقدام شما را می بیند، مؤمنین اقدام شما را می بینند. از حضور شما در پای صندوقها مؤمنین سایر کشورها هم خرسند میشوند. این دشمنان نادان ما، دشمنان احمق ما - همین سردمداران سیاست آمریکائی - که نسبت به این انتخابات این همه اظهار حساسیت کردند، موجب شده است که ملت های مسلمان نسبت به این انتخابات حساس شده اند؛ همه گردن میکشند ببینند ملت ایران در این انتخابات چه میکند؟ چه جور وارد صحنه ی انتخابات میشود و چه کسانی را انتخاب میکند. آمریکائیه ها گفتند ما مایلیم فلان جور آدمها باشند، فلان جور آدمها نباشند. ملت های مسلمان نگاه میکنند ببینند آیا نسخه ی آمریکائی در ایران عمل شد یا نسخه ی ایرانی و اسلامی عمل شد. آنچه که آمریکائیه ها میخواهند، مخالف منافع ایران است.



رحمت خدا بر امام بزرگوار ما که میفرمود از دشمنی دشمن، از دشنام دشمن نترسید؛ وقتی او به شما بدگویی میکند، اخم میکند، دشنام میدهد، بدانید که شما یک کار بزرگی انجام داده اید یا دارید انجام میدهید که او ناراحت است. از این بترسید که از شما تعریف کند. اگر دشمن از شما تعریف کرد، این نشاندهنده ی این است که شما یک کاری به نفع او انجام داده اید. هر کسی را که دشمن ما، دشمن ایران، میخواهد که او بر سر کار نباشد، در مجلس نباشد، در دولت نباشد، او باید باشد؛ او به نفع ایران است. هر کسی را که دشمن ما میخواهد که او برود در دستگاه حاکمیت کشور و قانونگذاری کشور، او نباید برود. او طبق خواست دشمن عمل خواهد کرد.

نماینده ی صالح آن کسی است که پایبندی او به اسلام باشد، پایبندی او به عدالت باشد، پایبندی او به منافع ملی باشد، مرز او با دشمن مرز مشخصی باشد. اگر این نشد، آن نماینده، نماینده ی خوبی نخواهد بود؛ نماینده ی ملت در واقع نخواهد بود. خوشبختانه در کشور ما مجموعه های سیاسی ای که هستند، نسبت به مبانی اسلام و انقلاب تقریباً همه، بجز یک اقلیت کوچکی، متفق القولند؛ منتها مرزها را باید روشن کرد. بعضی، از دشمن رودرپایستی دارند؛ بعضی، ملاحظه ی دشمن را میکنند. ملاحظه ی ملت را باید کرد، ملاحظه ی خدا را باید کرد، نه ملاحظه ی دشمن را. دشمن، دشمن است؛ هرچه ملاحظه کنی، هر چه عقب بنشینی، او جلو می آید. اگر خاکریز شما در مقابل دشمن خاکریز مستحکمی نباشد، او نفوذ میکند. دشمنان این را میخواهند. یکی از شاخصها همین است. مردم در هر جای کشور هستند، به این شاخص توجه کنند.

آن کسانی که مرزشان با دشمن و دست نشانندگان دشمن مرز کمرنگی است، اینها برای ورود به مجلس اصلح نیستند. کسانی باید باشند که مرز روشنی با دشمن داشته باشند. این را من قبلاً هم گفتم، حالا هم تکرار میکنم، بگردید؛ از خدا هم کمک بخواهید، از آدمهای مطلع و امین و باصداقت کمک بخواهید، تا بدانید چه کسانی را باید بفرستید مجلس؛ آنوقت مجلس، مجلسی خواهد شد که میتواند آرمانهای ملت را تبلور و تجسم ببخشد به معنای واقعی کلمه؛ همچنانی که بحمدالله در طول این زمانهای گوناگون دیدیم مجالسی بودند که یا یکسره یا یک اکثریت قاطع در آنها همینجور عمل کردند؛ قوانین خوب گذاشتند، دولتها را وادار به کار کردند. ان شاءالله مجلس هشتم مجلسی باشد که به کارهای خیر کمک کند، به آنچه که همت مسئولان و همت مجریان و همت دولت بر آن گماشته شده است، ان شاءالله کمک کند، راهها را باز کند، قوانین مناسب ملت بگذراند و نظارت کند.

شان مجلس عبارت است از قانونگذاری و نظارت کردن؛ هم قانون خوب بگذارند که مجریان دستشان باز باشد و بتوانند برای مردم کار کنند، خدمت کنند - خوب، بحمدالله دولتهای ما خدمتگذار بوده اند، این دولت هم بخصوص فعالیت و تلاش خیلی خوبی دارد - و بتوانند آن کاری را که میخواهند انجام بدهند، برای مردم انجام بدهند؛ این از یک طرف، از یک طرف هم نظارت؛ بر همه ی دولتها نظارت باید وجود داشته باشد. انسان باید تحت نظارت باشد؛ هم نظارت وجدان خود، هم نظارت مراقبین قانونی خود؛ و بداند که تحت مراقبت خدای متعال و نظارت الهی



هست. این میشود يك مجلس خوب.

امیدواریم خدای متعال کمک کند به ما ملت ایران و آحاد مردم عزیزمان در شهرهای مختلف - چه در تهران، چه در استانهای گوناگون و شهرهای مختلف؛ چه در نقاط روستاها و مناطق دورافتاده - که همه ان شاءالله بتوانند در این انتخابات با شور و شوق، با انگیزه و با قصد قربت شرکت کنند و ان شاءالله محصول این شرکت عمومی، اولاً عزت ملت ایران و هیبت ملت ایران در چشم دشمنان بشود و جلو فتنه انگیزیهای دشمنان را بگیرد، ثانیاً يك مجلس کاملاً مفید برای ملت و نافع برای رسیدن به آرمانهای انقلاب و ارزشهای انقلاب به وجود بیاید و ان شاءالله کمک حضرت بقیةالله ( ارواحنا فداه) شامل حال همه ی ما باشد و ارواح مطهر شهدا و روح مطهر امام که این راه را جلو ما ملت ایران باز کرد، ان شاءالله با پیغمبر و اولیائش محشور باشد.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته